**Received:** 2025/11/14
**Accepted:** 2026/9/6
from 115 to 137

**Amene Al-Sadat Kashi**
M.A. in Qur'anic Sciences, Interdisciplinary Qur'anic Studies Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
aminakashi@yahoo.com

**Farzaneh Rohani Mashhadi**
Associate Professor of Qur'anic Studies and Hadith, Interdisciplinary Qur'anic Studies Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
f_rohani@sbu.ac.ir

**Alireza Talebpour**
Associate Professor of Artificial Intelligence, Faculty of Computer Science and Engineering, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
talebpour@sbu.ac.ir

**Keywords:**
Purpose of Human Creation, Qur'an, Conceptual Model, Data-Grounded Analysis, Divine Mercy.

# A Conceptual Model of the Purpose of Human Creation in the Qur'an, Based on a Data-Grounded Analysis of Key Concepts

**Abstract**

This study aims to explain and represent a conceptual model of the purpose of human creation in the Qur'an. Muslim exegetes and philosophers have widely stressed that creation has a purpose, yet no comprehensive model has been offered that shows the relationships among the key Qur'anic concepts in one coherent structure. This study seeks to fill that gap. It uses a data-grounded analysis approach in the form of conceptual modeling. Verses related to the central concepts of worship (ʿibādah), knowledge (ʿilm), trial (ibtilāʾ), recompense (jazāʾ), encounter with God (liqāʾ), and vicegerency (khilāfah) were extracted. Based on intratextual and comparative analysis, conceptual propositions were organized. The semantic network of the purpose of human creation was then drawn by analyzing the pairwise relationships among the concepts. The findings show that the Qur'an sees human creation as having an end beyond natural survival, and it places the path toward that end within divine mercy, centered on conscious servitude. Worship is the starting point of the human movement toward knowledge and understanding. It becomes actual through trial and recompense and finally leads to the encounter with God (liqāʾ Allāh) and the realization of divine vicegerency. The model shows that divine mercy is one of the purposes and also the encompassing setting and final end of the system of creation, and the other concepts take their meaning in relation to it. The study concludes that, in the Qur'an, the purpose of human creation is to raise a merciful, informed vicegerent who reaches final perfection through the link between worship, knowledge, and nearness to God.

# الگوی مفهومی هدف خلقت انسان در قرآن کریم بر اساس تحلیل داده‌بنیاد مفاهیم کلیدی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۸/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۶/۱۵
از صفحه ۱۱۵ تا صفحه ۱۳۷

**آمنه‌السادات کاشی**
دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد علوم قرآنی، پژوهشکده‌ی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ایران.
aminakashi@yahoo.com

**فرزانه روحانی مشهدی**
دانشیار علوم قرآن و حدیث، پژوهشکده‌ی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ایران. (نویسنده‌ی مسئول)
f_rohani@sbu.ac.ir

**علیرضا طالب پور**
دانشیار هوش مصنوعی، دانشکده‌ی علوم و مهندسی کامپیوتر، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ایران.
talebpour@sbu.ac.ir

## چکیده

هدف این پژوهش[1] تبیین و بازنمایی الگوی مفهومی هدف خلقت انسان در قرآن کریم است. با وجود تأکید گسترده‌ی مفسران و فیلسوفان اسلامی بر هدفمندی آفرینش، تاکنون الگویی جامع ارائه نشده است که بتواند روابط میان مفاهیم کلیدی قرآنی را در یک ساختار منسجم نشان دهد؛ ازاین‌رو، این تحقیق در پی پر کردن این خلأ علمی است. برای دستیابی به این مقصود، از رویکرد تحلیل داده‌بنیاد در قالب الگوسازی مفهومی بهره گرفته شد. بدین منظور، آیات مرتبط با مفاهیم محوری همچون عبادت، علم، ابتلا، جزا، لقا و خلافت استخراج و بر اساس تحلیل درون‌متنی و مقایسه‌ای، گزاره‌های مفهومی سامان یافت؛ سپس با تکیه بر تحلیل روابط دوبه‌دوی میان مفاهیم، شبکه‌ی معنایی هدف خلقت انسان ترسیم شد. یافته‌ها نشان می‌دهد، قرآن خلقت انسان را دارای غایتی فراتر از بقای طبیعی می‌داند و مسیر آن را در بستری از رحمت الهی و با محوریت بندگی آگاهانه ترسیم می‌کند. عبادت آغازگاه حرکت انسان به‌سوی علم و معرفت است و در فرایند ابتلا و جزا به فعلیت می‌رسد تا درنهایت، به لقاءالله و تحقق خلافت الهی منتهی گردد. این الگو نشان می‌دهد، رحمت الهی صرفاً یکی از اهداف نیست، بلکه بستر و غایت فراگیر نظام خلقت است و دیگر مفاهیم در طول آن معنا می‌یابند. نتیجه‌ی پژوهش آن است که قرآن هدف خلقت انسان را در پرورش خلیفه‌ای رحمت‌ورز و آگاه می‌بیند که در پیوند میان عبادت، معرفت و قرب الهی، به کمال نهایی خود دست می‌یابد.

**واژگان کلیدی:**
هدف خلقت انسان، قرآن کریم، الگوی مفهومی، تحلیل داده‌بنیاد، رحمت الهی.

۱- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد است.

## ۱- مقدمه

پرسش از هدف آفرینش انسان از بنیادی‌ترین و دیرپاترین مسائل در الهیات اسلامی و انسان‌شناسی قرآنی است. از آغاز تفسیر قرآن تا دوران معاصر، مفسران و فیلسوفان مسلمان کوشیده‌اند از میان آیات متنوعی که به آفرینش و غایت وجود انسان اشاره دارد، تصویری منسجم از مقصود الهی در آفرینش آدمی ارائه دهند. این مسئله نه‌تنها نسبت انسان و خداوند را روشن می‌کند، بلکه مبنای تبیین فلسفه‌ی زندگی، اخلاق و مسیر کمال انسانی در نظام فکری اسلام است.

قرآن کریم به‌روشنی بر هدف‌داری آفرینش تأکید دارد: «أفحسبتم أنما خلقناکم عبثاً» (المؤمنون: ۱۱۵) و در مواضع گوناگون، واژگان و مفاهیمی چون عبادت، علم، ابتلا، جزا، لقا، خلافت و رحمت را در پیوند با آفرینش انسان به‌کار می‌برد. بااین‌حال، اندیشمندان مسلمان در تبیین نسبت میان این مفاهیم و تعیین غایت نهایی آفرینش، رویکردهای متفاوتی اتخاذ کرده‌اند.

در رویکرد نخست، مفسرانی مانند طبری (۱۴۱۲) و زمخشری (۱۴۰۷) با تمرکز بر آیه‌ی «وما خلقت الجنّ والإنس إلا لیعبدون»، عبادت را هدف مستقیم آفرینش دانسته‌اند. در رویکرد دوم که متأثر از فلسفه و عرفان اسلامی است، اندیشمندانی چون فخر رازی (۱۴۲۰)، علامه طباطبایی (۱۳۹۰) و امام خمینی (۱۳۷۶)، معرفت و قرب الهی را غایت نهایی آفرینش معرفی کرده‌اند. در رویکرد سوم، به‌ویژه در تفاسیر و مطالعات معاصر، رحمت الهی به‌عنوان غایت جامع و فراگیر همه‌ی اهداف مطرح‌شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰).

با وجود این تلاش‌ها، بیشتر پژوهش‌های پیشین بر یک یا چند مفهوم منفرد تمرکز داشته‌اند و از تبیین درون‌متنی و شبکه‌ای روابط میان مفاهیم قرآنی غفلت کرده‌اند؛ ازاین‌رو، هنوز الگوی مفهومی و نظام‌مند از هدف آفرینش انسان در قرآن ارائه نشده است؛ الگویی که بتواند مفاهیم قرآنی را در پیوندی علّی و غایی تبیین کند و مسیر سیر تکاملی انسان را در نظام آفرینش نشان دهد.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد کیفی داده‌بنیاد قرآنی،[1] در پی آن است که از دل آیات قرآن، ساختار مفهومی هدف آفرینش انسان را استخراج نماید. در این الگو، رحمت الهی به‌عنوان بستر هستی‌شناختی و زمینه‌ی آفرینش و مفاهیمی چون عبادت، علم، ابتلا، جزا، لقا و خلافت به‌عنوان مراحل تحقق غایت انسانی تحلیل می‌شوند.

هدف پژوهش ترسیم الگوی یکپارچه و منسجم از غایت آفرینش انسان از دیدگاه وحی است؛ الگویی که می‌تواند مبنای نظری بازخوانی انسان‌شناسی قرآنی و الهیات رحمت‌محور اسلامی قرار گیرد.

1- Grounded Theory

## ۲- پیشینه‌ی پژوهش

از نخستین سده‌های تفسیر قرآن تا دوران معاصر، پرسش از هدف آفرینش انسان همواره از مباحث محوری در انسان‌شناسی قرآنی و الهیات اسلامی بوده است. این بحث در گذر زمان، از تفسیر لفظی آیات و بیان مصادیق جزئی به‌سوی تحلیل‌های فلسفی، عرفانی و در سال‌های اخیر، به‌کارگیری الگوهای مفهومی و روش‌های نوین تحلیلی تحول‌یافته است، هرچند در زمینه‌ی هدف آفرینش انسان تاکنون پژوهشی نظام‌مند با رویکرد داده‌بنیاد صورت نگرفته است.

در دوره‌ی نخست تفسیر، مفسرانی مانند طبری (۱۴۱۲ ق) و زمخشری (۱۴۰۷ ق) هدف آفرینش را در چارچوب تعبّدی و اطاعت از فرمان الهی تبیین کردند. این نگاه که بر آیه‌ی «وما خلقت الجنّ والإنس إلا لیعبدون» (ذاریات: ۵۶) استوار بود، عبادت را غایت مستقیم آفرینش می‌دانست و بیشتر بر غایت تشریعی (هدف از دیدگاه تکلیف) متمرکز بود.

با گسترش اندیشه‌های فلسفی و عرفانی در دوره‌ی میانه، مفسران متأثر از حکمت متعالیه و عرفان نظری، هدف آفرینش را از سطح عبادت به ساحت معرفت و قرب الهی ارتقا دادند. فخر رازی (۱۴۲۰ ق) با تأکید بر «ابتلا» و «امتحان» به‌عنوان مسیر رشد انسان، جنبه‌ی تربیتی آفرینش را برجسته کرد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، عبادت را «غرض متوسط» و معرفت را «غرض اقصی» دانست و نهایت سیر انسان را وصول به رحمت و مغفرت الهی معرفی کرد. او رحمت را غایت نهایی آفرینش و محور پیوند همه‌ی مفاهیم دانست. در همین مسیر، قرشی (۱۳۷۷) غایت آفرینش را «تکامل توحیدی» و امام خمینی (۱۳۷۶) در آثار عرفانی خود، «تحقق انسان کامل» و «فنای فی‌الله» معرفی کرده است. این دوره گذار از تبیین تکلیفی به تبیین وجودی و کمال‌محور هدف آفرینش را نشان می‌دهد.

در قرن اخیر، رویکردهای فلسفی و روان‌شناختی نیز به این حوزه افزوده شده است. علامه محمدتقی جعفری (۱۳۸۰) در فلسفه و هدف زندگی با نگرشی عقل‌گرایانه، عبادت را علت غایی آفرینش و راه وصول به کمال دانست. برخی دیگر همچون فراهانی‌پور (۱۳۹۴)، در پرتو آموزه‌های عرفانی، عشق و محبت را محرک و مقصد آفرینش معرفی کرده‌اند و عشق الهی را محور نظام تکوین و غایت حرکت انسان دانسته‌اند.

در پژوهش‌های دانشگاهی نیز، پایان‌نامه‌هایی چون مقدّسین (۱۳۸۶) با تمرکز بر اندیشه‌ی علامه طباطبایی، سیر انسان از معرفت نفس تا فناء فی‌الله را غایت آفرینش دانسته‌اند. این آثار با وجود غنای تفسیری، اغلب بدون رویکرد تحلیلی_مفهومی و الگوسازی نظام‌مند مفاهیم قرآنی بوده‌اند.

در دو دهه‌ی اخیر، مقالات علمی‌پژوهشی تازه‌ای پدید آمده است که موضوع هدف آفرینش را از دیدگاههای جزئی‌تر یا کاربردی‌تر بررسی کرده‌اند. سلیمانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ی «سوره‌ی فجر و هدف خلقت»، تحقق انسان کامل در پرتو عبودیت و محبت را هدف آفرینش دانست. فارسی‌نژاد و دژآباد (۱۳۸۸) در «فلسفه‌ی آفرینش جهان و انسان از دیدگاه قرآن»، عبادت را غایت اصلی آفرینش معرفی کردند. در مقابل، هاشمی گلپایگانی (۱۳۸۸) و حسن‌زاده (۱۴۰۰) با تحلیل واژه‌شناسی آیات

رحمت، رحمت الهی را غایت نهایی آفرینش دانسته‌اند؛ همچنین امیربیکی تفتی (۱۳۹۴) هدف را تجلی رحمت و قرار دادن انسان در مسیر کمال و درستی مطلق و افضلی (۱۳۹۵) از دیدگاه عرفان نظری، «جود الهی» را هدف آفرینش کل هستی معرفی کرده‌اند. با وجود تنوع دیدگاه‌ها می‌توان سه جریان اصلی در مطالعات پیشین تشخیص داد: ۱. رویکرد عبادی-تشریعی که غایت را در عبادت و اطاعت می‌بینند؛ ۲. رویکرد معرفتی-وجودی که هدف را در معرفت، قرب یا کمال جست‌وجو می‌کند؛ ۳. رویکرد رحمت‌محور و انسان‌گرای الهی که غایت را در تجلی رحمت الهی و پرورش انسان رحمت‌ورز می‌بینند. بااین‌حال، در هیچ‌یک از این رویکردها، رابطه‌ی شبکه‌ای و ساختاری میان مفاهیم کلیدی قرآن مانند عبادت، علم، ابتلا، جزا، لقا، خلافت و رحمت به‌طور جامع تحلیل نشده است. پژوهش‌های پیشین هریک بخشی از این منظومه را کاویده‌اند، بی‌آنکه نسبت درونی مفاهیم را در تبیین هدف آفرینش نشان دهند.

## ۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای ـ نظری و از نظر روش، کیفی با رویکرد داده‌بنیاد قرآنی است. در این رویکرد، آیات قرآن به‌مثابه داده‌های متنی بررسی می‌شوند تا مفاهیم و روابط میان آن‌ها از دل متن استخراج گردد (Strauss & Corbin, 1998; Charmaz, 2014). روش داده‌بنیاد قرآنی تلفیقی از منطق اجتهادی در تفسیر درون‌متنی و الگوی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد در علوم انسانی است (حیدری ابهری، ۱۳۹۹). در این پژوهش، از روش داده‌بنیاد به‌عنوان منطق تحلیل مفهومی متن اقتباس شده و به‌عنوان الگوی کامل نظریه‌پردازی کنش اجتماعی به‌کار نرفته است؛ همچنین با هدف تبیین و بازنمایی روابط میان مفاهیم قرآنی مرتبط با هدف آفرینش انسان، از روش الگوسازی مفهومی[1] استفاده کرده است. الگوی مفهومی بازنمایی انتزاعی و ساده‌شده‌ای از یک پدیده است که از طریق تعریف مفاهیم، روابط و مسیرهای ارتباطی میان آن‌ها، زمینه‌ی تحلیل نظام‌مند و کشف الگوی درونی پدیده را فراهم می‌سازد. چنین الگویی باید در عین سادگی، از شفافیت و کارایی تحلیلی برخوردار باشد؛ زیرا ساده‌سازی افراطی از دقت و عمق تحلیلی آن می‌کاهد (Johnson & Henderson, 2002; McGinnes, 2000; Siebers, 2016).

### ۳-۱- مراحل تحلیل داده‌ها

فرایند تحلیل داده‌ها در سه مرحله انجام شد:

**الف. کدگذاری باز:** در این مرحله، آیات کانونی مرتبط با هدف آفرینش انسان استخراج و مفاهیم بنیادین مستخرج از آن‌ها شناسایی گردید. بر اساس تحلیل اولیه‌ی آیات، مفاهیم اصلی شامل عبادت، علم، ابتلا، جزا، لقا، خلافت و رحمت به‌عنوان کدهای مفهومی ثبت و گزاره‌های

1- Conceptual Model

دلالـی هـر آیـه اسـتخراج شـد (Strauss & Corbin, 1998).

در مرحلـه‌ی کدگـذاری بـاز، هشـت آیـه‌ی محـوری مرتبـط بـا هـدف آفرینـش انسـان اسـتخراج و گزاره‌هـای دلالـی آن‌هـا بـه مفاهیـم کلیـدی تبدیـل گردیـد. نمونـه‌ای از ایـن فراینـد در جـدول شـماره‌ی ۱ ارائه‌شـده اسـت.

**جدول شماره‌ی ۱. آیات هدف خلقت و مفاهیم کلیدی آن**

| ردیف | آیه | گزاره‌ی مستنبط | مفهوم کلیدی | مقوله |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات: ۵۶). | خداوند انسان را آفرید تا او را عبادت کند. | آفرینش انسان برای عبادت | عبادت |
| ۲ | «الَّذی خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَياةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً وَ هُوَ الْعَزيزُ الْغَفُورُ» (الملک: ۲). | خداوند زندگی را آفرید تا نیکوکدارترین انسان‌ها را رشد دهد. | آفرینش حیات برای ابتلا | ابتلا |
| ۳ | «اللَّهُ الَّذی خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَينَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلى كلِّ شَيءٍ قَديرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِكلِّ شَيءٍ عِلْماً» (الطلاق: ۱۲). | خداوند جهان را آفرید تا انسان از علم و قدرت مطلق خداوند آگاه شود. | آفرینش جهان برای علم بشر به الله | علم بالله |
| ۴ | «وَ إِذْ قالَ رَبُّک لِلْمَلائِكةِ إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَليفَةً قالُوا أَ تَجْعَلُ فيها مَنْ يفْسِدُ فيها وَ يسْفِک الدِّماءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِک وَ نُقَدِّسُ لَک قالَ إِنِّی أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ» (البقرة: ۳۰). | خداوند انسان را خلیفه خود در زمین قرار داد. | آفرینش بشر برای خلافت در زمین | خلافت |
| ۵ | «يا أَيهَا الَّذينَ آمَنُوا مَنْ يرْتَدَّ مِنْكمْ عَنْ دينِهِ فَسَوْفَ يأْتِی اللَّهُ بِقَوْمٍ يحِبُّهُمْ وَ يحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرينَ يجاهِدُونَ فی سَبيلِ اللَّهِ وَ لا يخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ ذلِک فَضْلُ اللَّهِ يؤْتيهِ مَنْ يشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَليمٌ» (المائدة: ۵۴). | خداوند اقوام را می‌آفریند و جایگزین می‌کند تا زمانی که قوم محب و محبوب خدا را بیاورد. | تداوم آفرینش اقوام بشر تا پیدایش قوم محب و محبوب | حب |
| ۶ | «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ» (الفاتحة: ۱)<br>«إِلاَّ مَنْ رَحِمَ رَبُّک وَ لِذلِک خَلَقَهُمْ وَ تَمَّتْ كلِمَةُ رَبِّک لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعينَ» (هود: ۱۱۹). | رحمت اساس رابطه‌ی خداوند و انسان است. | غلبه‌ی صفت رحمت در پیام خالق<br>رحمت هدفی برای آفرینش | رحمت |
| ۷ | «وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِتُجْزى كلُّ نَفْسٍ بِما كسَبَتْ وَ هُمْ لا يظْلَمُونَ» (الجاثیة: ۲۲). | خداوند جهان را آفرید تا اعمال انسان را جزا دهد. | آفرینش جهان برای جزای عمل انسان | جزا |
| ۸ | «يا أَيهَا الْإِنْسانُ إِنَّک كادِحٌ إِلى رَبِّک كدْحاً فَمُلاقيهِ» (الانشقاق: ۶).<br>«مَنْ كانَ يرْجُوا لِقاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ» (العنکبوت: ۵). | انسان همواره در تلاش است تا خداوند را ملاقات کند. | ملاقات خدا انتهای تلاش انسان | لقا |

**ب. کدگـذاری محـوری:** در گام بعـد، مفاهیـم استخراج‌شـده بـر اسـاس نقـش آن‌هـا در تبییـن هـدف آفرینـش انسـان، در قالـب مقوله‌هـای کلان سـامان یافتنـد و روابـط اولیـه‌ی میـان آن‌هـا تحلیـل شـد. در ایـن مرحلـه، مقوله‌هـا ذیـل سـه سـطح تحلیلـی «بسـتر»، «سـازوکار» و «غایـت» سـازمان‌دهی گردیـد و تحلیـل بـا اسـتفاده از روش مقایسـه‌ی مسـتمر انجـام پذیرفـت (Charmaz, 2014).

**ج. کدگـذاری انتخابـی:** در ایـن مرحلـه، مقـولات محـوری در قالـب یـک سـاختار منسـجم تلفیق شـدند و الگـوی مفهومـی هـدف آفرینـش انسـان شـکل گرفـت (حسـینی شـاهرودی، ۱۳۹۸). در ایـن الگـو، رحمت الهـی به‌عنـوان بسـتر آفرینـش، ابتـلا و جـزا به‌مثابـه سـازوکار تحقـق هـدف و مفاهیمـی چـون عبـادت، علـم، لقـا و خلافـت به‌عنـوان مراتـب و غایـات سـیر انسـان تبییـن شـدند.

**د) تحلیـل فراینـدی در کدگـذاری انتخابـی:** در ادامـه‌ی کدگـذاری انتخابـی، روابـط میـان مقـولات به‌صـورت فراینـدی و بـا بازگشـت مجـدد بـه آیـات مرتبـط تحلیـل گردیـد تـا الگـوی سـیر تربیتـی انسـان از بسـتر رحمـت تـا مراتـب نهایـی لقـا و خلافـت اسـتخراج شـود.

### ۳-۲- اعتبار و اطمینان از داده‌ها

بـرای اعتباربخشـی بـه یافته‌هـا از چنـد روش کیفـی اسـتفاده گردیـد (Lincoln & Guba, 1985): ۱. مقایسـه‌ی تفسـیری: انطبـاق نتایـج بـا دیـدگاه مفسـران بـزرگ ماننـد طباطبایـی، مـکارم شـیرازی و فخـر رازی؛ ۲. مقایسـه‌ی درون‌متنـی: بررسـی مفاهیـم مشـابه در سـیاق‌های مختلـف قرآنـی به‌منظـور جلوگیـری از تحمیـل معنـای بیرونـی؛ ۳. بازبینـی همـکاران علمـی: بازنگـری مراحـل تحلیـل از سـوی اسـتادان و داوران حـوزه‌ی علـوم قـرآن.[۱]

### ۳-۳- شرح تفصیلی تحلیل فرایندی در کدگذاری انتخابی

ایـن بخـش به‌منظـور تبییـن تفصیلـی مرحلـه‌ی تحلیـل فراینـدی در کدگـذاری انتخابـی ارائـه می‌شـود و نحـوه‌ی اسـتخراج گزاره‌هـا و کشـف روابـط مفهومـی از آیـات قـرآن را به‌صـورت عملـی نشـان می‌دهـد. آیـات مرتبـط ابتـدا از طریـق جسـتجوی واژه‌ی قرآنـی مرتبـط (ریشـه‌های عبـد، جـزا و ...) و بررسـی مضمـون آیـه از نظـر ارتبـاط بـا مسـئله (هـدف آفرینـش)، از قـرآن اسـتخراج شـد؛ سـپس رابطـه‌ی میـان ایـن مفاهیـم تحلیـل گردیـد؛ به‌عنـوان نمونـه، بـرای بررسـی آیـات مقولـه‌ی عبـادت، ۲۷۵ کاربـرد ایـن ریشـه در قـرآن در قالـب ۵ محـور، بـا انتخـاب نمونه‌هایـی از آن بررسـی شـد: تعریـف عبـادت،[۲] اقسـام معبـود،[۳] انـواع عبـد،[۴] صفـات عبـاد[۵] و نتایـج عبـادت (جـدول شـماره‌ی ۲).

---

۱- با اعمال پیشنهادهای داوران پایان‌نامه.

۲- (آل‌عمران: ۵۱؛ یوسف: ۴۰).

۳- (الإسراء: ۲۳؛ الأعراف: ۱۹۴؛ الأنعام: ۵۶؛ هود: ۶۲؛ إبراهیم: ۳۵؛ الزمر: ۱۷؛ یس: ۶۰).

۴- (النور: ۵۵؛ النساء: ۱۷۲؛ مریم: ۹۳؛ النور: ۴۱؛ الحدید: ۱؛ النحل: ۴۹؛ الحج: ۱۸؛ الرعد: ۱۳؛ الذاریات: ۵۶).

۵- (آل‌عمران: ۱۵ و ۶۴؛ مریم: ۶۳؛ فاطر: ۳۲ و ۲۸؛ النور: ۵۵).

**جدول شماره‌ی ۲. نتایج عبادت ممدوح**

| ردیف | آیه | مقوله- محور | نتایج عبادت |
|---|---|---|---|
| ۱ | «**وَ اعْبُدْ رَبَّک حَتَّی یأْتِیک الْیقینُ**» (الحجر: ۹۹). | عبادت- نتایج | یقین |
| ۲ | «**فَاسْتَجَبْنا لَهُ فَکشَفْنا ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ آتَیناهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنا وَ ذِکری لِلْعابِدِینَ**» (الأنبیاء: ۸۴). | عبادت- نتایج | رحمت |
| ۳ | «**جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتی وَعَدَ الرَّحْمنُ عِبادَهُ بِالْغَیبِ إِنَّهُ کانَ وَعْدُهُ مَأْتِیا**» (مریم: ۶۱). | عبادت- نتایج | جنّة |
| ۴ | «**قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکمْ یوحی إِلَی أَنَّما إِلهُکمْ إِلهٌ واحِدٌ فَمَنْ کانَ یرْجُوا لِقاءَ رَبِّهِ فَلْیعْمَلْ عَمَلاً صالِحاً وَ لا یشْرک بِعِبادَةِ رَبِّهِ أَحَداً**» (الکهف: ۱۱۰). | عبادت- نتایج | لقاءالله |

سپس تحلیل محتوای هر جدول در قالب یک یا چند گزاره ارائه گردید. برای جدول نمونه‌ی بالا عبارت بود از: «شناخت خداوند، رحمت خداوند، بهشت و لقای او از ثمرات عبادت خداوند است؛ بنابراین، عبادت نسبت به این اهداف رتبه‌ای نزدیک‌تر دارد و درواقع، خود مسیر رسیدن به هدف است و نه هدف نهایی.»

درنهایت، پس از بررسی آیات مقوله‌ی عبادت و گزاره‌های مستنبط در همه‌ی محورها، نتیجه‌ی ذیل به‌دست آمد: «عبادت هدف نهایی از آفرینش انسان نیست، بلکه حرکت در مسیر درست دین‌داری است که انتظار می‌رود، انسان در پایان این مسیر، به غایت آفرینش انسان دست یابد. پرستشی که خداوند به آن دستور داده است، کرنش انسان در برابر یک موجود متعالی و مطابق عقل و فطرت سلیم با پرهیز از تقلید و گرفتار شدن در دام شیطان و هوای نفس است. تفاوت عبادت انسان با سایر موجودات به نقش اختیار انسان در عبادت و امکان تمرّد انسان ارتباط دارد. تنوع صفات عبد در جهات مثبت همچون متقی و شاکر و در جهت منفی همچون فاسق و فاجر، نشان دهنده‌ی مراتب عبادت است.»

نمونه‌ی دیگر آیات مقوله‌ی خلافت است که پس از ثبت در جدول در سه قسم مستخلف‌عنه،[1] مراتب خلافت،[2] علت استخلاف[3] و هدف استخلاف[4] و آن‌گاه استخراج گزاره‌های مستنبط، نتیجه‌ی زیر ارائه‌شده است: «استخلاف در زمین نمی‌تواند هدف نهایی آفرینش انسان باشد؛ زیرا قرآن از آن به‌عنوان فرصت پرورش یاد می‌کند. هدف نهایی پرورش انسان‌های رحمت‌ورزی است که در سایه‌ی توحید و محبت زندگی امن اجتماعی دارند.»

نتایج تحلیل گزاره‌های مستنبط از آیات مرتبط با سایر مقوله‌های محوری مطابق همین روش

۱- (البقرة: ۳۰ و ۳۱؛ یونس: ۷۳).
۲- (الأنعام: ١٦٥؛ ص: ٢٦؛ النور: ٥٥؛ الحدید: ٧).
۳- (یونس: ۷۳؛ هود: ۵۷؛ الأنعام: ۱۳۳؛ النمل: ٦٢؛ المائدة: ٥٤).
۴- (الأنعام: ١٦٥ و ۱۳۳؛ یونس: ١٤؛ الأعراف: ٦٩ و ١٢٩؛ فاطر: ٣٩؛ النور: ٥٥؛ المائدة: ٥٤).

به‌ترتیب زیر است:

**علم:**[1] «شناخت خداوند از سوی انسان، از طریق مشاهده‌ی صفات خالق در جهان و از طریق یادآوری‌های قرآن و ارجاع انسان به تفکر درباره‌ی جهان ممکن است؛ یعنی صفات خداوند ازجمله علم و قدرت و الوهیت او، در این محدوده ظهور و تجلی‌یافته است و حداقل یکی از اهداف آفرینش جهان شناخت خداوند است.»

**ابتلا:**[2] «ابتلا نمی‌تواند به‌عنوان هدف نهایی آفرینش واقع شود، بلکه هدفی متوسط یا وسیله‌ای است برای اینکه صالحان که «احسن عملاً» هستند، با انتخاب خود تکامل یابند. صالح همان فرد محسنی است که تسلیم خدا و تابع ملت حنیف ابراهیم است؛ یعنی اگر دو مؤلفه‌ی نیت و تبعیت به عمل حسن اضافه شود، عمل صالح به‌دست می‌آید؛ یعنی عمل صالح همان عمل حسنی است که از روی نیت خدایی و تسلیم وجه به روی خدا و با الگو گرفتن از رفتار ابراهیم و آیین حنیف او انجام شود.»

**جزا:**[3] «جهان قابلیت واکنش جزایی نسبت به اعمال انسان دارد. این واکنش جزایی در جهت تحقق جامعه‌ای آرمانی برای مؤمنین صالح است.»

**رحمت:**[4] «یکی از اهداف خلقت برخورداری انسان از رحمت خداوند است و این رحمت تغییرناپذیر است؛ اما عملکرد انسان می‌تواند از یک‌سو سبب برخورداری مضاعف و خاص و از سوی دیگر، سبب خروج از این رحمت گردد. شمول رحمت الهی تنها برای مؤمنان صالح ازلی است و قابلیت افزایش دائمی دارد.»

**لقا:**[5] «لقای خداوند غیرحسی و به‌وسیله‌ی شهود باطنی است و انسان متناسب با رتبه‌ی صالح بودن (استمرار در ایمان و عمل صالح خالص)، در دنیا به‌وسیله‌ی وحی و در آخرت از ورای حجابی قلبی (رقیق یا غلیظ)، به لقای پروردگار نائل می‌شود.»

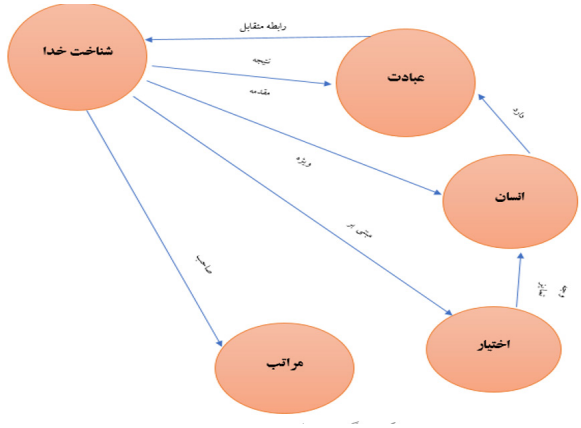
در ادامه، تبیین رابطه‌ی مقولات اصلی بر اساس تحلیل مقایسه‌ای دوبه‌دو صورت گرفت؛ برای نمونه، در تحلیل رابطه‌ی مفهوم عبادت و مفهوم شناخت خداوند (علم)، از ترکیب گزاره‌های مقوله‌های محوری عبادت یعنی هدف نزدیک نه غایی (نتیجه‌ی آن یقین و رحمت)، معبود متعالی بر اساس عقل (پرهیز از هوا و شیطان)، بر اساس اختیار، مرتبه‌مند با گزاره‌های مقوله‌های محوری شناخت خداوند، یعنی ظهور صفات خداوند در جهان آفرینش، مشاهده‌ی صفات خالق در جهان، هدف خلقت بودن، دعوت قرآن به شناخت نتیجه‌ی زیر به‌دست می‌آید:

«۱. شناخت خداوند یک فرایند و نتیجه‌ی عبادت است؛ پس هدفی دورتر است؛ ۲. شناخت خدا

---

۱- (الطلاق: ۱۲؛ إبراهیم: ۵۲).
۲- (هود: ۷؛ الکهف: ۷ و ۳۰؛ الملک: ۲؛ فصلت: ۳۳؛ النساء: ۱۲۵).
۳- (یونس: ٤؛ النجم: ۳۱؛ الجاثیة: ۲۲؛ ص: ۲۸–۲۷؛ الإسراء: ۹؛ الفرقان: ۵۷؛ النحل: ۹۷).
۴- (الحمد: ۱؛ المائدة: ٥٤؛ هود: ۱۱۹؛ اعراف: ۵۷؛ الأنبیاء: ۷۵؛ لقمان: ۳؛ النمل: ۷۷؛ الجاثیة: ۲۰؛ الحدید: ۲۸؛ العنکبوت: ۲۳).
۵- (غافر: ۱۵؛ الانشقاق: ٦؛ البقرة: ٤٦ و ۵۵؛ الأنعام: ۳۱ و ۱۰۳؛ الأعراف: ۵۱ و ۱٤۳؛ یونس: ٤۵؛ الکهف: ۱۱۰؛ النمل: ٦؛ الروم: ۸؛ السجدة: ۱۰ و ۲۳؛ القمر: ۲۵؛ سبأ: ۳۷؛ الزمر: ۳؛ ص: ٤۰؛ نجم: ۹–۸؛ القیامة: ۲۳؛ المطففین: ۱۵؛ النساء: ۱۵۳؛ الفرقان: ۲۱).

از طریق مطالعه‌ی جهان مقدمه و لازمه‌ی عبادت است؛ ۳. رابطه‌ی دوطرفه‌ای میان شناخت خداوند و عبادت وجود دارد؛ ۴. شناخت خداوند ویژه‌ی انسان متمایز از شناخت سایر موجودات و مبتنی بر عبادت مختارانه‌ی انسان و ذومراتب است» (شکل شماره‌ی ۱).




**شکل شماره‌ی ۱. رابطه‌ی متقابل عبادت و شناخت خداوند**

## ۴- تحلیل مفاهیم بنیادین هدف آفرینش

در این بخش روابط میان مفاهیم بنیادین هدف آفرینش، از روش تطبیق هر مفهوم با سایر مفاهیم تحلیل و نتایج تحلیل با استناد به آرای مفسران تقویت‌شده است.

### ۴-۱- عبادت انسان

در قرآن، هدف از آفرینش انسان عبادت و بندگی خداوند معرفی‌شده است: «**وَما خَلَقتُ الجِنَّ وَالإِنسَ إِلّا لِيَعبُدون**» (الذاریات: ۵۶). بر پایه‌ی ظاهر آیه، عبادت خداوند غایت آفرینش انسان است؛ اما مفسران در تبیین معنای عبادت، بر بُعد معرفتی و تربیتی آن تأکید کرده‌اند. علامه طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۵۲۶؛ فضل‌الله ۱۴۱۹، ج ۲۱، ص ۲۲۴-۲۲۶؛ قطب، ۱۴۲۵، ج ۶، ص ۳۳۸۶-۳۳۸۸؛ زمخشری ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۰۶) عبادت را ناظر به معرفت و بندگی آگاهانه می‌داند که انسان را به قرب الهی می‌رساند. فخر رازی (۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۳۹۵) آن را غایت متوسط آفرینش و زمینه‌ی معرفت حق می‌خواند و مکارم شیرازی (۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۳۸۶) نیز عبادت را راه تهذیب نفس و مجرای وصول به رحمت خاص الهی می‌داند.

بر اساس این، عبادت در قرآن مقدمه‌ای برای وصول به رحمت الهی است و غایت آن تحقق بندگی آگاهانه و محبت‌آمیز است. عبادت پیونددهنده‌ی ایمان نظری و سلوک عملی است و انسان را از تعلقات نفسانی رها می‌کند و در مسیر معرفت و قرب قرار می‌دهد؛ درنتیجه، عبادت در قرآن نه صرفاً وظیفه‌ای شرعی، بلکه فرایندی تربیتی و معرفتی است که انسان را به‌سوی رحمت و قرب

الهی سوق می‌دهد؛ ازاین‌رو، می‌توان آن را مقدمه‌ی تحقق هدف نهایی آفرینش دانست.

### ۴-۲- علم (شناخت خداوند)

قرآن غایتی معرفتی برای آفرینش جهان ذکر می‌کند: «**اللَّهُ الَّذی خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ... لِتَعلَموا أَنَّ اللَّهَ عَلی کلِّ شَیءٍ قَدیرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَد أَحاطَ بِکلِّ شَیءٍ عِلمًا**» (الطلاق: ۱۲)؛ و نیز تثبیت توحید هدف نزول پیام دانسته شده است: «**هذا بَلاغٌ للنّاس... وَلِیَعلَموا أَنَّما هُوَ إلهٌ واحِد**» (ابراهیم: ۵۲). بر اساس ظاهر آیات، آفرینش نظام آسمان‌ها و زمین برای آن است که انسان به قدرت مطلق و علم محیط الهی آگاه شود و رسالت وحی آگاهی‌بخشی به یکتایی خدا است؛ پس «علم بالله» در متن آیات غایتی برای آفرینش جهان و غرضی برای نزول کتاب است.

علامه طباطبایی علم مقصود در آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی طلاق را شناخت نسبت به قدرت و احاطه‌ی علمی خدا می‌داند که از رهگذر تدبر در آفرینش به‌دست می‌آید و زمینه‌ی عبودیت آگاهانه را مهیا می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۳۲۶). فخر رازی از تقابل «لِتَعلَموا» با ساخت تکوینی عالم نتیجه می‌گیرد که نظام آفرینش کارکردی معرفتی دارد و انسان می‌تواند این معرفت را به ایمان برساند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۵۶۷). مکارم شیرازی نیز آگاهی از دو صفت علم و قدرت خداوند را برای تربیت کافی می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۸، ص ۲۶۴).

«علم بالله» هم مقصد میانی است (غایت معرفتی آفرینش جهان) و هم شرط عبادت معتبر (عبادت آگاهانه)؛ نسبت آن با عبادت دوسویه است: معرفت زمینه‌ساز عبادت آگاهانه و عبادت موجب تعمیق معرفت می‌شود؛ «علم» مقدمه‌ی لقا/قرب نیز هست؛ هرچه معرفت ترقی کند، امکان قرب بیشتر فراهم می‌شود. در منطق قرآن، «علم بالله» غایتی معرفتی برای آفرینش جهان و غرضی برای وحی است؛ اما در نسبت با هدف نهایی انسان، مقدمه‌ی عبودیت آگاهانه و نردبان قرب به‌شمار می‌آید؛ بنابراین، در الگوی ما «علم» مقصد میانی ضروری و پیونددهنده‌ی ساحت شناختی و عبادی است.

### ۴-۳- ابتلا (آزمایش و پرورش)

قرآن یکی از سنت‌های الهی در آفرینش انسان را «ابتلا» می‌داند: «**الَّذی خَلَقَ المَوتَ وَ الحَیاةَ لِیَبلُوَکم أَیُّکم أَحسَنُ عَمَلاً**» (ملک: ۲)؛ همچنین در آیه‌ای دیگر، هدف آفرینش انسان و قرار دادن او در زمین را در پرتو آزمایش معنا می‌کند: «**وَ هُوَ الَّذی جَعَلَکم خَلائِفَ الأَرضِ وَ رَفَعَ بَعضَکم فَوقَ بَعضٍ دَرَجاتٍ لِیَبلُوَکم فی ما آتاکم**» (الانعام: ۱۶۵). ظاهر آیات نشان می‌دهد، آفرینش و حیات دنیوی انسان عرصه‌ای برای آزمون الهی است؛ آزمونی که بر پایه‌ی اختیار و عمل صالح سنجیده می‌شود.

علامه طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۵۲) در تفسیر آیه‌ی ۱۵۵ بقره، ابتلا را به معنای «پرورش در بوته‌ی آزمایش» می‌داند و تأکید می‌کند که غرض الهی از این سنت، ظهور استعدادهای درونی انسان و تربیت او از راه اختیار و عمل است. مکارم شیرازی (۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۲۷) نیز تأکید دارد که

هـدف آزمـون الهـی کشـف واقـع نیسـت، بلکـه فعلیـت یافـتن ظرفیـت انسـان در مسـیر عبودیـت اسـت. تفسـیر کشـاف بیـان می‌کنـد کـه انسـان به‌عنـوان جانشـین خـدا در زمیـن آفریده‌شـده اسـت تـا در بهره‌منـدی از نعمت‌هـا آزمایـش شـود (زمخـشری ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۴) و زندگـی و مـرگ وسـیله‌ای بـرای آزمایـش انسـان و هدایـت او بـه انجـام اعـمال نیـک با اختیـار خالـص اسـت (هـمان، ج ۴، ص ۵۷۵). خداوند انسـان‌ها را جانشـین در زمیـن آفریـد و بـا تفـاوت در نعمت‌هـا و درجـات آنـان را می‌آزمایـد تـا شایسـتگی در شـکرگزاری، عدالـت و اطاعـت آشـکار شـود و جـزا یـا کیفـر الهـی متناسـب بـا رفتـار هـر فرد تعلـق گیرد (جرجانـی ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۴۵-۱۴۷؛ طبرسـی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۶۰۶).

بنابرایـن، ابتـلا از ابزارهـای تحقـق هـدف آفرینـش اسـت، نـه غایـت آن و پیونـدی مسـتقیم بـا «جـزا» دارد؛ زیـرا نتیجـه‌ی آزمـون تعیین‌کننـده‌ی پـاداش یـا کیفـر اسـت. در مسـیر حرکـت انسـان از «عبـادت» و «علـم» به‌سـوی «خلافـت»، ابتـلا زمینـه‌ی سـنجش صـدق عبودیـت و ایـمان اسـت؛ درنتیجـه، ابتـلا در قـرآن سـازوکاری تربیتـی بـرای شـکوفایی اسـتعدادهای انسـان اسـت. خداونـد از رهگـذر آن، انسـان را در مسـیر عبودیـت و رحمـت می‌پـرورد.

### ۴-۴- جزا (پاداش و واکنش نظام هستی به عمل انسان)

قـرآن در مـوارد متعـددی، آفرینـش آسـمان‌ها و زمیـن را بـا هـدف جـزا دادن بـه انسـان‌ها بیـان می‌کند: «**وَخَلَقَ اللَّـهُ السَّـماواتِ وَالأَرضَ بِالحَـقِّ وَلِتُجـزی کُلُّ نَفـسٍ بِمـا کَسَـبَتْ وَهُـم لا یظلَمـون**» (الجاثیـه: ۲۲)؛ همچنیـن در آیـه‌ای دیگـر می‌فرمایـد: «إِلَیـهِ مَرجِعُکم جَمیعًـا... لِیجـزِی الَّذیـنَ آمَنـوا وَعَمِلـوا الصّالِحـاتِ بِالقِسـطِ» (یونـس: ۴). ظاهـر آیـات نشـان می‌دهـد کـه نظـام هسـتی بـر پایـه‌ی عدالـت جزایـی اسـتوار اسـت؛ یعنـی آفرینـش جهـان بـا هـدف واکنـش منصفانـه بـه کـردار انسـان‌ها انجام‌شـده اسـت؛ بنابرایـن، جـزا نـه صرفـاً یـک رخـداد اخـروی، بلکـه غایـت اخلاقـی در کل هسـتی اسـت؛ به‌عبارت‌دیگـر، آفرینـش بـر حـق زمینـه‌ی تحقـق جـزای عادلانـه اسـت، به‌گونـه‌ای کـه هـر نفـس صرفـاً بـر اسـاس اعـمال خـود پـاداش یـا کیفـر می‌یابـد و هیچ‌کـس مـورد ظلـم واقـع نمی‌شـود (طـبری ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۶۱؛ جرجانـی ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۵۲؛ زمخـشری ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲۸-۳۲۹).

علامـه طباطبایـی (۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۱۷۲) جـزا را لازمـه‌ی حکمـت و عـدل الهـی می‌دانـد و معتقـد اسـت کـه وجـود جهـان بـدون تحقـق جزا عبـث خواهـد بـود. فخـر رازی (۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۶۷۷) در تفسـیر آیـه‌ی ۲۲ جاثیـه، غـرض از آفرینـش را «اظهـار عدالـت و رحمـت الهـی» می‌دانـد کـه در قالـب جـزا تحقـق می‌یابـد. مـکارم شـیرازی (۱۳۷۱، ج ۲۱، ص ۲۶۱) تأکیـد می‌کنـد، درحقیقـت جـزا واکنـش نظـام آفرینـش نسـبت بـه عمـل انسـان اسـت، به‌گونـه‌ای کـه عمـل صالـح هماهنـگ بـا سـاختار رحمـت و نظـم الهـی، ثمـره‌ی مثبـت می‌آفرینـد و عمـل فاسـد عکـس آن را؛ یعنـی «جـزا» در نظـام هـدف آفرینـش، در سـطحی ابـزاری نسـبت به‌غایـت رحمـت و خلافـت قـرار دارد. ارتباطـی دوسـویه بـا «ابتـلا» دارد، بـه ایـن صـورت کـه ابتـلا عرصـه‌ی سـنجش اسـت و جـزا بازتـاب نتیجـه‌ی آن. غـرض از تحقق جـزا اقامـه‌ی عدالـت و پرورش انسـان بـر مبنـای خیـر و تقواسـت، نـه صرف مجـازات؛ پـس جـزا در قـرآن بیان‌کننـده‌ی پیوسـتگی میـان عمـل انسـان و سـاختار عادلانـه جهـان اسـت. ایـن اصـل ضامـن تربیـت و اصـلاح انسـان در مسـیر عبودیت

و رحمت است؛ بنابراین، جزا ابزار تحقق حکمت و رحمت الهی در آفرینش انسان است، نه غایت نهایی آن.

### ۴-۵- رحمت الهی (بستر و غایت نظام آفرینش)

قرآن در مواضع متعدد، آفرینش و هدایت را به رحمت الهی بازمی‌گرداند: «**إِلَّا مَن رَحِمَ رَبُّکَ وَلِذٰلِکَ خَلَقَهُم**» (هود: ۱۱۹)؛ و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «**وَرَحمَتی وَسِعَت کلَّ شَیءٍ**» (الاعراف: ۱۵۶). آغاز هر سوره با «**بسم‌الله الرحمن الرحیم**» نیز نشانه‌ای از حضور فراگیر رحمت در سراسر پیام الهی است. آیات نشان می‌دهند که رحمت الهی هم علت غایی آفرینش انسان است: «**و لذلک خلقهم**» و هم بستر همه‌ی افعال الهی: «**وسعَت کلّ شیء**»؛ یعنی آفرینش، هدایت، ابتلا و جزا، همگی در میدان رحمت جاری‌اند.

علامه طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۶۳) در تفسیر آیه‌ی ۱۱۹ هود می‌نویسد: مرجع ضمیر «ذلک» رحمت است؛ بنابراین، غرض از آفرینش انسان بهره‌مندی از رحمت الهی است. مکارم شیرازی (۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۳۸۷) رحمت را «نتیجه‌ی نهایی» آفرینش می‌داند. برومند نیز با تأکید بر «بسمله»، رحمت را هدف اساسی آفرینش انسان می‌شمرد. به تعبیر او، آغاز قرآن با دو نام «رحمن» و «رحیم» بیان‌کننده‌ی آن است که هر فعل الهی از دریچه‌ی رحمت عبور می‌کند و رحمت عام خداوند با آفرینش جهان ظهور می‌یابد و رحمت خاص او با تربیت انسان‌های رحمت‌ورز که خلیفه‌ی او و نمایانگر صفات او هستند، تحقق خواهد یافت (برومند، ۱۳۸۶). برخی مفسران نیز به‌عنوان یک دیدگاه محتمل بیان می‌دارند که هدف آفرینش ظهور رحمت الهی در همه‌ی موجودات است (فخر رازی ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۴۱۱-۴۱۲؛ طبرسی ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۱۱-۳۱۲)؛ درنتیجه، هدایت انسان‌های متقی و مؤمن به‌سوی خیر و بهره‌مندی از نعمت‌هاست و هدایت، عبادت، علم، ابتلا و جزا، همگی در پرتو رحمت او تحقق یابند و بهره‌مندی از رحمت غایت نهایی آفرینش انسان باشد. فضل‌الله نیز رحمت را محور حیات طیبه و «غایت تربیت انسان در نظام جزا» می‌خواند و معتقد است که حتی کیفر الهی تأثیر تکوینی عمل و جلوه‌ای از رحمت اصلاح‌گر است (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۳، ص ۲۹۴).

رحمت در الگوی مفهومی، هم بستر عام و هم غایت نهایی است. مفاهیم دیگر (عبادت، علم، ابتلا، جزا و خلافت) درون حوزه‌ی رحمت جریان دارند. جزا و ابتلا ابزار تحقق رحمت‌اند، علم و عبادت مسیر وصول به آن‌اند و خلافت تجسم انسانی آن است؛ پس رحمت در منطق قرآن، حقیقتی فراگیر و بنیادین است که از آغاز تا فرجام آفرینش امتداد دارد. خداوند انسان را در مدار رحمت آفرید تا در پرتو عبادت و معرفت، از رحمت عام به رحمت خاص برسد؛ بنابراین، رحمت الهی هم غایت نهایی آفرینش انسان است و هم زمینه‌ی تحقق سایر اهداف در نظام آفرینش.

### ۴-۶- خلافت انسان (تجلی نهایی هدف آفرینش)

گفت‌وگـوی خداونـد بـا فرشـتگان نخسـتین و بنیادی‌تریـن اشـاره بـه خلافـت انسـان در قـرآن اسـت: «**وَإِذ قـالَ رَبُّـک لِلمَلائِکـةِ إِنّـی جاعِـلٌ فِـی الأَرضِ خَلیفَـةً...**» (البقـره: ۳۰). آیـات دیگـری نیـز بـه جنبه‌هـای مختلـف ایـن مقـام اشـاره دارنـد؛ ازجملـه: «**وَعَـدَ اللَّـهُ الَّذیـنَ آمَنوا مِنکـم وَعَمِلـوا الصّالِحـاتِ لَیسـتَخلِفَنَّهُم فِـی الأَرضِ...**» (النـور: ۵۵)؛ و نیـز: «**هُـوَ الَّـذی جَعَلَکـم خَلائِـفَ الأَرضِ لِیبلُوَکـم فـی مـا آتاکـم**» (الانعـام: ۱۶۵). آیـات نشـان می‌دهنـد کـه خلافـت مقامـی الهـی و امانـی اسـت کـه بـه انسـان به‌عنـوان جانشـین بـر زمیـن سپرده‌شـده اسـت. ایـن مقـام نـه صرفاً سیاسـی یـا نسـلی، بلکـه نمایندگـی انسـان از جانـب خـدا در تـصرف و تدبیـر زمیـن اسـت.

علامـه طباطبایـی (۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۲۰) تصریـح می‌کنـد کـه خلافـت انسـان در آیـه‌ی ۳۰ بقـره، خلافـت از خداونـد اسـت، نـه از نسـل‌های پیشـین؛ زیـرا فرشـتگان از فسـاد و خون‌ریـزی انسـان بیـم کردنـد و خداونـد در پاسـخ، بـه «تعلیـم اسـما» اشـاره نمـود کـه بـر نوعـی علـم الهـی و نمایندگـی وجـودی دلالـت دارد. مـکارم شـیرازی (۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۸۱) خلافـت را مقامـی تدریجـی می‌دانـد کـه از ایـمان و عمـل صالـح آغـاز می‌شـود و درنهایـت، بـه تمکیـن دیـن و امنیـت می‌انجامـد (النـور: ۵۵). خلیفه‌اللـه بایـد کـون جامـع و مظهـر تـام و تمـام حـق تعالـی باشـد (زمانـی، ۱۳۷۸). بنـا بـر دیـدگاه جـوادی آملـی، اگـر محـور خلافـت الهـی علـم بـه اسـما باشـد، خلافـت نیـز مراتـب دارد و انسـان کامـلِ عـالم بـه همـه‌ی اسـما خلیفةاللـه اسـت و کسـانی کـه علـم کمـتری دارنـد، خلیفـه‌ی خلیفةاللـه هسـتند (جـوادی آملـی ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۱۱).

بنابرایـن، خلافـت، نقطـه‌ی اوج حرکـت انسـان در مسـیر هـدف آفرینـش اسـت. تحقـق خلافت وابسـته بـه مراتـب پیشـین اسـت: علـم، عبـادت، ابتـلا و جـزا. خلافـت تجلـی رحمـت خـاص الهـی در وجـود انسـان کامـل اسـت کـه صفـات خـدا را در زمیـن فعلیـت می‌بخشـد. از دیـدگاه سـاختاری، خلافـت غایـت فرعـی (مقصـد انسـانی) در دل غایـت کلـی (رحمـت الهـی) اسـت. در قـرآن، خلافـت نشـانه‌ی رسـیدن انسـان بـه بالاتریـن مرتبـه‌ی رشـد وجـودی اسـت؛ مرتبـه‌ای کـه در آن، علـم، عبـادت و عمـل صالـح در خدمـت تحقـق اراده‌ی الهـی درمی‌آینـد؛ ازایـن‌رو، خلافـت انسـان تجسـم عینـی هـدف نهایـی آفرینـش و نمـود رحمـت خـاص الهـی در سـاحت انسـانی اسـت.

## ۵- تحلیل شبکه‌ی مفهومی هدف آفرینش انسان در قرآن

در ایـن بخـش روابـط کلیـدی میـان مفاهیـم بنیادیـن و نقـش هریـک در نظـام هـدف آفرینـش تبییـن می‌شـود.

### ۵-۱- رابطه‌ی عبادت و علم

آیـات قـرآن پیونـدی عمیـق میـان عبـادت و معرفـت برقـرار کرده‌انـد. بـر اسـاس آیـه‌ی «**وَاعبُـدْ رَبَّـک حَتّـی یأتِیـک الیقیـن**» (الحجـر: ۹۹)، عبـادت مسـیر رسـیدن بـه یقیـن و شـناخت الهـی اسـت. از سـوی دیگـر، معرفـت صحیـح شـرط تحقـق عبـادت آگاهانـه اسـت، چنان‌کـه قـرآن می‌فرمایـد: «**إِنَّمـا یخْشَـی اللَّـهَ**

**مِـن عِبـادِهِ العُلَـماء**» (فاطـر: ۲۸).

می‌تـوان گفـت، امـر بـه عبـادت مـشروط بـه حصـول معرفـت و معـارف اسـت و شرط کـمال عبـادت آگاهانـه بـودن و خالصانـه بـودن آن اسـت (قرائتـی ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۷۳)؛ به‌عبارت‌دیگـر، شـناخت خالـق و قوانیـن او زمینـه و انگیـزه‌ی عبـادت انسـان اسـت و عبـادت بـدون شـناخت کامـل نیـز ممکـن اسـت؛ امـا بـا علـم بیشـتر، قلـه‌ی عبودیـت و تقـوا محقـق می‌شـود (زمخـشری ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸۸-۹۳) و شـناخت خداونـد علـت مسـتقیم و محـرک عبـادت و تقـوا اسـت (فضل‌اللـه، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۶۵-۱۶۸).

علامـه طباطبایـی (۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۸۶) عبـادت را غایـت متوسـط و معرفـت را غایـت اقصـی آفرینش انسـان می‌دانـد؛ زیـرا عبـادت مقدمـه‌ی وصـول بـه معرفـت حضـوری اسـت؛ همچنیـن مـکارم شـیرازی (۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۳۸۷) تأکیـد می‌کنـد کـه عبـادت در منطـق قـرآن صرفـاً تکلیـف نیسـت، بلکـه فراینـدی تربیتـی بـرای بـروز خشـوع و تسـلیم اسـت؛ بنابرایـن، عبـادت و علـم در رابطـه‌ای دوسـویه‌اند: عبـادت معرفـت را تعمیـق می‌کنـد و علـم عبـادت را از صورت‌گرایـی بـه بندگـی آگاهانـه ارتقـا می‌دهـد.

### ۵-۲- رابطه‌ی ابتلا و جزا

در نظـام قرآنـی، ابتـلا سـازوکار تربیـت و جـزا نتیجـه‌ی عادلانـه آن اسـت. قـرآن می‌فرمایـد: «**لِیبلُوَکـم أَیکـم أَحسَـنُ عَمَـلاً**» (هـود: ۷) و نیـز «**لِیجـزِی الَّذیـنَ آمَنـوا وَعَمِلـوا الصّالِحـاتِ**» (یونـس: ۴). خداونـد آسـمان‌ها و زمیـن را بـرای آزمایـش بنـدگان آفریـد تـا در مسـیر تکلیـف شـناخته شـوند و چـون ابتـلا بـدون جـزا معنـا نـدارد، ایـن آیـه (هـود:۷) بـر ضرورت قیامـت دلالـت دارد؛ جایـی کـه نیکـوکار پـاداش و بـدکار کیفـر می‌بینـد (زمخـشری ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۸۰). علامـه طباطبایـی (۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۱۵۱) بیـان می‌کنـد، نظـام ابتـلا و جـزا دو وجـه یـک سـنت الهـی هسـتند: نخسـت، انسـان در بوتـه‌ی آزمایـش قـرار می‌گیـرد و سـپس نتیجـه‌ی عمـل او در قالـب جـزا آشـکار می‌شـود؛ درنتیجه، ابتلا فرایند بروز و پالایش عمل است و جزا بازتاب آن در نظام عدل و رحمت الهی است.

### ۵-۳- رابطه‌ی علم و خلافت

مجموعـه آیـات در ایـن شـبکه‌ی مفهومـی نشـان می‌دهـد، شـناخت خداونـد سـبب می‌شـود تـا انسـان در مقـام خلیفةاللهـی در جهـت اراده‌ی الهـی (صفـات الهـی) حرکـت کنـد و از سـوی دیگـر، ایـن شـناخت در صورتـی میسـر اسـت کـه انسـان از فرصـت خلافت‌اللهـی خـود به‌درسـتی اسـتفاده کنـد. ازجملـه آیـه‌ی «**وَعَلَّـمَ آدَمَ الأَسـماءَ کلَّهـا**» (البقـره: ۳۱) نشـان می‌دهـد کـه علـم شرط اصلـی خلافـت اسـت. علـم اسـما به معنـای درک حقایـق و روابـط وجـودی اشیاسـت و همیـن علـم اسـت که انسـان را شایسـته‌ی خلافـت الهی می‌سـازد. مـکارم شـیرازی نیـز اشـاره می‌کنـد، تعلیـم اسـما نمـاد تـوان شـناخت و اختیـار در انسـان اسـت کـه فرشـتگان بـدون آن‌انـد؛ ازایـن‌رو، علـم زمینه‌سـاز خلافـت اسـت (۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷۸).

### ۵-۴- رابطه‌ی جزا و لقا (قرب)

لقای الهی غایت تربیتی نظام جزا است. قرآن می‌فرماید: «**فَمَن كانَ يرجُوا لِقاءَ رَبِّهِ فَليعمَل عَمَلاً صالِحاً وَ لا يشْرِك بِعِبادَةِ رَبِّهِ أَحَداً**» (الکهف: ۱۱۰). از مجموع آیات لقا چنین استفاده می‌شود که لقای خداوند غیرحسی و به‌وسیله‌ی شهود باطنی است و انسان متناسب با رتبه‌ی صالح بودن (استمرار در ایمان و عمل صالح خالص)، در دنیا به‌وسیله‌ی وحی و در آخرت از ورای حجابی قلبی (رقیق یا غلیظ)، به لقای پروردگار نائل می‌شود. برخی محققان لقا را نوعی شهود قلبی و بازگشت به مبدأ می‌دانند که از مسیر عمل صالح حاصل می‌شود (برومند، ۱۳۸۶). به بیان وی، لقا نتیجه‌ی حرکت انسان در نظام جزا و همان تجلی پاداش معنوی برای مؤمنان است.

بنابراین، جزا در قرآن صرفاً کیفر یا پاداش نیست، بلکه سازوکار قرب و وصال است. جزا همان افاضه‌ی رحمت متناسب با عمل است که به‌صورت رشد وجودی نمایان می‌گردد؛ رشدی که انسان را شایسته‌ی معرفت و درک پروردگار ساخته که همان لقای او و متناسب با همان رتبه از معرفت است. برخی دیگر از مفسران نیز این‌گونه بیان می‌دارند که لقاءالله هدف نهایی ایمان است و راه رسیدن به آن، عمل صالح و عبادت خالص برای خداست؛ زیرا جزای الهی نتیجه‌ی مستقیم ایمان و عمل صالح در مسیر توحید است (فضل‌الله ۱۴۱۹، ج ۱۴، ص ۴۰۴-۴۰۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۵۷۵-۵۷۹).

### ۵-۵- رابطه‌ی مفاهیم با رحمت الهی

ازآنجاکه قرآن با «**بسم‌الله الرحمن الرحیم**» آغاز می‌شود و رحمت را فراگیر همه‌ی هستی می‌داند: «وَرَحمَتی وَسِعَت كلَّ شَیءٍ» (الاعراف: ۱۵۶)، رحمت الهی را می‌توان بستر عام و مقصد نهایی همه‌ی مفاهیم دانست. مکارم شیرازی (۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۳۸۷) رحمت را علت فاعلی و غایی آفرینش معرفی می‌کند. خداوند از سر رحمت آفرید و انسان را برای وصول به رحمت پرورش داد. در این چارچوب،

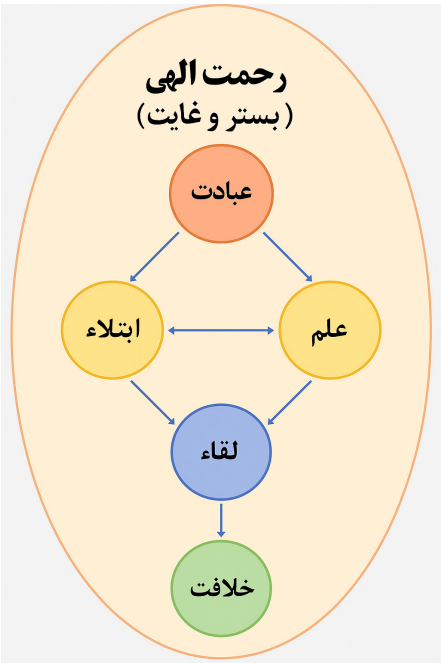
- **عبادت در پرتو رحمت:** عبادت زمینه‌ی اتصال به رحمت خاص است؛ زیرا بنده در عبودیت، قابلیت دریافت رحمت ویژه را می‌یابد؛
- **علم در پرتو رحمت:** علم تجلی لطف رحمانی در انسان و ابزار شناخت مبدأ رحمت است؛
- **ابتلا در پرتو رحمت:** ابتلا در قرآن برای پرورش انسان است، نه عذاب؛ نوعی رحمت در لباس امتحان؛
- **جزا در پرتو رحمت:** پاداش و کیفر نیز از سنخ رحمت است؛ زیرا غایت آن بازگرداندن انسان به مسیر حق است؛
- **خلافت در پرتو رحمت:** خلافت الهی تجسم رحمت خاص در وجود انسان کامل است که صفات الهی را در زمین متحقق می‌کند.

بدین‌سان، رحمت هم مبدأ و هم مقصد نظام تربیتی انسان است. در تحلیل نهایی داده‌ها به‌نظر می‌رسد «رحمت» نه‌تنها بستر تحقق خلافت، بلکه گوهر وجودی خلیفه‌الله است. قرآن

در آیه‌ی «**وَرَبُّک الغَنِی ذُو الرَّحْمَةِ**» (انعام: ۱۳۳)، استخلاف را نتیجه‌ی رحمت می‌داند و در توصیف پیامبر(ص) به‌عنوان خلیفه‌ی کامل می‌فرماید: «**وَما أَرسَلناک إِلّا رَحمَةً لِلعالَمین**» (الانبیاء: ۱۰۷)؛ ازاین‌رو، می‌توان گفت که انسان در مرتبه‌ی نهایی خلافت، آینه‌ی رحمانیت الهی می‌شود؛ صفتی که سایر صفات چون علم و قدرت، در پرتو آن معنا می‌یابند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۲۲۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۴۸۹).

### ۵-۶- الگوی مفهومی نهایی

برآیند روابط بالا را می‌توان در قالب الگوی مفهومی هدف آفرینش انسان در قرآن خلاصه کرد که در آن، همه‌ی مسیر در بستر رحمت جریان دارد و هدف نهایی تجسم رحمت خاص در انسان خلیفه‌الله است. شکل شماره‌ی ۲ الگوی مفهومی هدف آفرینش انسان در قرآن کریم را نشان می‌دهد. در این الگو، رحمت الهی بیضی فراگیر و بستر کل نظام آفرینش است که آغاز و انجام همه‌ی فرایندها در آن قرار دارد؛ در سطح نخست، عبادت و علم به‌صورت دوسویه تعامل دارند؛ عبادت شناخت را تعمیق می‌کند و علم عبادت را آگاهانه می‌سازد؛ در سطح دوم، ابتلا و جزا به‌عنوان سازوکارهای تربیتی و تحقق هدف، در پیوندی متقابل عمل می‌کنند و آزمون و پاداش یا کیفر موجب رشد انسان در مسیر الهی می‌شود؛ در مرتبه‌ی سوم، لقا به معنای وصول به قرب الهی قرار دارد که نتیجه‌ی سیر عبادی، معرفتی و اخلاقی انسان است؛ درنهایت، خلافت تجسم زمینی رحمت خاص الهی است؛ جایی که انسان کامل مظهر صفات الهی می‌گردد و اراده‌ی خدا را در جهان محقق می‌سازد. به‌این‌ترتیب، حرکت انسان از عبادت تا خلافت، سیر صعودی در مدار رحمت است و غایت نهایی آفرینش تجلی رحمت الهی در وجود انسان است.




**شکل شماره‌ی ۲. الگوی مفهومی هدف آفرینش در قرآن**

## ۶- نتیجه‌گیری

این پژوهش با استخراج آیات ناظر به هدف آفرینش و تحلیل درون‌متنی مفاهیم هم‌بافت آن‌ها نشان داد، شبکه‌ای از مفاهیم کلیدی حول محور «مسیر» و «سازوکار» و «غایت» شکل می‌گیرد. جمع‌بندی لایه‌مند یافته‌ها چنین است:

### ۶-۱- جایگاه مفاهیم اصلی

- **عبادت:** غایت نهایی نیست، بلکه هدف نزدیک/مسیر تربیتی است که انسان را در دین‌داری درست پیش می‌برد و ظرفیت وصول به مراتب بالاتر را می‌گشاید؛
- **علم (معرفت الهی):** هم پیش‌نیاز عبادت آگاهانه است (مطالعه‌ی آیات آفاق و انفس) و هم برآیند عبادت خالص. معرفت عمیق‌تر کیفیت عبادت را بالاتر می‌برد (رابطه‌ی دوسویه)؛
- **لقا:** پدیدار حصول مسیر است؛ مرتبه‌مند، غیرحسی و باطنی، متناسب با ایمان و عمل صالح خالص؛
- **خلافت:** مقصد مرتبه‌مند است؛ بر اساس ایمان/عمل صالح، داوری حق و پرهیز از هوا. آثار اجتماعی آن در دنیا تمکن دین، امنیت و توحید و در آخرت مُلک کبیر است؛
- **رحمت:** نه هم‌تراز سایر مفاهیم، بلکه بستر فراگیر و غایت نهایی در نظام هدف خلقت

است. رحمت دامنه‌ای است که کل مسیر در آن رخ می‌دهد و درنهایت، مقصد نیز در افق رحمت تعریف می‌شود.

**۶-۲- سازوکارها**

• **ابتلا:** ابزار پرورش «أحسن عملاً» و سنجش کیفیت اختیار؛ هدف متوسط/وسیله، نه مقصد؛

• **جزا:** واکنش عادلانه‌ی نظام آفرینش به کنش‌های مختار انسانی؛ سازوکاری هدایت‌گر به‌سوی تحقق جامعه‌ی صالح، نه غایتی در عرض اهداف.

**۶-۳- رابطه‌ی رحمت با خلافت**

تحلیل آیات استخلاف نشان می‌دهد رحمت الهی هم زمینه‌ی اعطای خلافت است و هم محتوای آن؛ بدین معنا که خلیفه‌الله آینه‌ی صفات الهی است و رحمت در کنار علم و قدرت، صفت اصیل‌تری است که در مقام خلافت شکوفا می‌شود؛ بنابراین، هرچه مرتبه‌ی خلافت بالاتر رود، ظهور رحمت الهی در ساحات فردی و اجتماعی پررنگ‌تر است. تمکن دین، امنیت و زیست توحیدی نیز در همین افق رحمت فهم می‌شوند.

**۶-۴- تحلیل فرایندی الگوی مفهومی**

عبادت آگاهانه ← تعمیق علم ← تحقق مراتب لقا ← وصول به مراتب خلافت و در همه‌ی این مسیر، رحمت زمینه و افق غایی است؛ ابتلا و جزا نیز به‌مثابه‌ی سازوکارهای تربیت و هدایت، کیفیت این حرکت را صورت‌بندی می‌کنند.

**۶-۵- پیامدهای نظری و عملی**

• به لحاظ نظری، این الگو اختلاف ظاهری آیات هدف خلقت (عبادت، علم، لقا، خلافت و رحمت) را در یک کل یکپارچه حل می‌کند: عبادت مسیر است، علم چراغ راه، لقا شاخص وصول، خلافت صورت اجتماعی کمال و رحمت هم افق نهایی و هم محتوای کمال؛

• به لحاظ عملی، معیار ارزیابی «پیشروی در مسیر هدف خلقت» نه کمیت اعمال، بلکه کیفیت اختیار، اخلاص و اثر رحمت‌گستر کنش‌ها در سطح فرد و جامعه است.

## منابع


- امیر بیکی تفتی، فضیله؛ «تأملی در هدف خلقت انسان از دیدگاه قرآن»؛ کنگره بین‌المللی حکمت ناب، اردبیل، ۱۳۹۴ ش.
- برومند، محمد حسین؛ درسنامه تفسیر قرآن؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ ش.
- جرجانی، حسین‌بن‌حسن؛ جلاءالاذهان و جلاءالاحزان (تفسیر گازر)؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ ش.
- جعفری، محمدتقی؛ فلسفه و هدف زندگی؛ تهران: قدیانی، ۱۳۸۰ ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم، تفسیر قرآن کریم؛ قم: اسراء، ۱۳۹۰ ش.
- حسن‌زاده، محمدجواد؛ «فلسفه خلقت»؛ دومین همایش میان‌رشته‌ای تحقیقات در مدیریت و علوم انسانی، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۴۰۰ ش.
- حسینی شاهرودی، سید مرتضی؛ درآمدی بر نظریه‌پردازی قرآنی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸ ش.
- حیدری ابهری، مهدی؛ «کاربست روش داده‌بنیاد در مطالعات قرآنی»؛ مطالعات روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۲، ۱۳۹۹ ش.
- درستی مطلق، مرجان؛ افضلی، علی؛ «واکاوی و نقد ادله‌ی عرفا درباره‌ی هدف آفرینش»؛ معرفت کلام، دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۲، ۱۳۹۵ ش.
- زمخشری، محمودبن‌عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل؛ بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- زمانی، محمدهاشم؛ «خلافت انسان در قرآن»؛ ویژه‌نامه پژوهش‌های قرآنی امام خمینی(ره)، شماره‌ی ۱۹ (۲۰-۵)، ۱۳۸۷ ش.
- سلیمانی میمند، مریم؛ «سوره فجر و هدف خلقت»؛ فصلنامه بینات، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱۶، ۱۳۸۸ ش.
- طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه‌ی محمدباقر موسوی؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۰ ش.
- طبرسی، فضل‌بن‌حسن؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن؛ تصحیح: فضل‌الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طبری، محمدبن‌جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، محمدبن‌حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار إحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- فارسی‌نژاد، محمد؛ دژآباد، رضا؛ «فلسفه‌ی آفرینش جهان و انسان از دیدگاه قرآن»؛ اندیشه دینی، دوره‌ی ۳۰، شماره‌ی ۱۱، ۱۳۸۸ ش.
- فخر رازی، محمدبن‌عمر؛ مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- فراهانی‌پور، فرزانه؛ عشق و نقش آن در کمال انسان؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۴ ش.
- فضل‌الله، محمدحسین؛ من وحی القرآن؛ بیروت: دار الملاک، ۱۴۱۹ ق.
- قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
- قرشی بنابی، علی‌اکبر؛ تفسیر احسن الحدیث؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۵ ش.

• قطب، سید؛ فی ظلال القرآن؛ لبنان: دارالشروق، ۱۴۲۵ ق.
• خمینی، سید روح‌الله؛ مصباح‌الهدایه إلی الخلافة والولایة؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۶ ش.
• مکارم شیرازی، ناصر و گروهی از نویسندگان؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
• مقدسین، مائده؛ «فلسفه خلقت و ویژگی‌های کلامی او از نگاه علامه طباطبایی»؛ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶ ش
• هاشمی گلپایگانی، سید محمدصالح؛ «غایت‌انگاری از دیدگاه قرآن کریم»؛ پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره‌ی ۴، ۱۳۸۸ ش.
• Charmaz, K. (2014). Constructing Grounded Theory (2nd ed.). London: Sage Publications.
• Johnson, J., & Henderson, A. (2002). Conceptual Models: Begin by Designing What to Design. Interactions, 9(1), 25–32.
• Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). Naturalistic Inquiry. Beverly Hills, CA: Sage Publications.
• McGinnes, S. (2000). Conceptual Modelling: A Psychological Perspective. Doctoral Dissertation, University of London.
• Siebers, P.-O. (2016). Introduction to conceptual modelling [Lecture slides, G54SIM Lecture 03]. University of Nottingham.

## Refrences [In Persian & Arabic]

• Amir Beiki Tafti, Fazileh. (2015). A Reflection on the Purpose of Human Creation from the Viewpoint of the Qur'an, International Congress on Pure Wisdom, Ardabil.
• Dorosti Motlaq, Marjan, & Afzali, Ali. (2016). Analysis and Critique of the Mystics' Arguments on the Purpose of Creation. Ma'rifat-e Kalami, (17)2, 149–169.
• Fadlallah, Muhammad Hussein. (1419 AH). Min Wahy al-Qur'an. Beirut: Dar al-Malak.
• Fakhr al-Razi, Muhammad ibn 'Umar. (1420 AH). Mafatih al-Ghayb (al-Tafsir al-Kabir). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
• Farahanipour, Farzaneh. (2015). Love and Its Role in Human Perfection. Tehran: Amir Kabir Publications.
• Farsinejad, Mohammad, & Dezhabad, Reza. (2009). The Philosophy of Creation of the Universe and Humanity from the Qur'anic Perspective. Journal of Qur'anic Sciences and Knowledge, 4, 179–206.
• Hashemi Golpayegani, Seyyed Mohammad Saleh. (2009). "Teleology from the Perspective of the Holy Qur'an." Journal of Qur'anic Sciences and Teachings, 4, 179–206.
• Hassanzadeh, Mohammad Javad. (2021). The Philosophy of Creation. 2nd Interdisciplinary Conference on Research in Management and Humanities, Shiraz University.

- Heydari Abhari, Mahdi. (2020). Applying the Grounded Theory Method in Qur'anic Studies. Quarterly Journal of Methodological Studies in Islamic Human Sciences, 2(3), 45–68.
- Hosseini Shahroudi, Seyyed Morteza. (2019). An Introduction to Qur'anic Theorization. Qom: Research Institute of Seminary and University.
- Jafari, Mohammad Taqi. (2001). Philosophy and the Purpose of Life. Tehran: Qadyani Publications.
- Jawadi Amoli, Abdullah. (2011). Tasnīm: Exegesis of the Noble Qur'an. Qom: Esra' Publishing Center.
- Jorjani, Hossein ibn Hasan. (2008). Jala' al-Adhhan wa Jala' al-Ahzan (Tafsir al-Ghāzir). Tehran: University of Tehran.
- Khomeini, Seyyed Ruhollah. (1997). Misbah al-Hidaya ila al-Khilafa wa al-Wilaya.Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, Seyyed Ruhollah. (2001). Sharh-e Chehel Hadith. Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Makarem Shirazi, Naser, & a Group of Authors. (1992). Tafsir-e Nemouneh. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi. (2011). Philosophy Lessons. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Moghaddasin, Maedeh. (2007). The Philosophy of Creation and Its Theological Aspects from the Viewpoint of Allameh Tabataba'i. M.A. Thesis, Payam Noor University.
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. (1991 CE / 1412 AH). Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an (Tafsir al-Tabari). Beirut, Lebanon: Dar al-Ma'rifah.
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. (1993). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Edited by Fazlollah Yazdi Tabataba'i & Hashem Rasuli. Tehran: Nasr Khosrow.
- Tabataba'i, Mohammad Hossein. (1991). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an.Trans: Mohammad Baqir Mousavi. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom.
- Soleimani Meymand, Maryam. (2009). "Surah al-Fajr and the Purpose of Creation. Beynat Quarterly Journa, 16(4), 72–79.
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. (n.d.). Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
- Qara'ati, Mohsen. (2009). Tafsir-e Noor. Tehran: Markaz-e Farhangi Dars-hayi az Qur'an.
- Qurashi Nabavi, Ali Akbar. (1996). Tafsir Ahsan al-Hadith. Tehran: Bonyad-e Ba'that. Qutb, Sayyid. (2004 CE / 1425 AH). Fi Zilal al-Qur'an. Lebanon: Dar al-Shuruq.
- Zamakhshari, Mahmoud ibn 'Umar. (1987 CE / 1407 AH). Al-Kashshaf 'an Haqa'iq Ghawamid

al-Tanzil wa ‘Uyun al-Aqawil fi Wujuh al-Ta’wil. Beirut, Lebanon: Dar al-Kitab al-‘Arabi.

- Zamani, Mohammad Hashem. (2008). “Human Vicegerency in the Qur’an.” Imam Khomeini (RA) Special Issue on Qur’anic Studies, 19(5–20), 356–391.